

## ارتباط بین حضور زنان در کمیته حسابرسی و ویژگی‌های اعضای زن کمیته حسابرسی با مدیریت سود

### اکبر کنعانی

استادیار گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. (نویسنده مسئول)  
Akbar.kanani@iau.ir

### فاطمه منافی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران  
fatemeh.manafi@iau.ir

### صالح بهروز گجین

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران  
saleh.behrouzgjain@iau.ir

### سمیه ملازاده طسمالو

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران  
somayeh.mollazadehtasmalu@iau.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰

### چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر نمایندگی زنان و تجربه و تخصص آنها در کمیته حسابرسی بر تعادل بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی است. بر این اساس تعداد ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۴۰۲ انتخاب شد. برای ارائه شواهد تجربی در راستای آزمون فرضیه‌ها، از رگرسیون چندگانه به روش پانل دیتا و با استفاده از نرم افزار EViews استفاده شده است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهند که شرکت‌هایی که نسبت بالاتری از زنان در کمیته حسابرسی دارند، تمایل بیشتری به استفاده از مدیریت سود واقعی نسبت به مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی دارند. علاوه بر این، تخصص زنان در کمیته حسابرسی تأثیر منفی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی دارد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که تجربه زنان (سن و دوره تصدی زنان) در کمیته حسابرسی به کاهش هر دو نوع مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی کمک می‌کند. نتایج حاصل از داده‌های بازار نوظهور ایران، شواهد تازه‌ای را فراهم می‌آورد که نشان می‌دهند چگونه حضور هدفمند و مبتنی بر صلاحیت زنان در کمیته‌های حسابرسی می‌تواند الگوهای رفتاری مدیریت سود را تغییر دهد. این یافته‌ها مسیرهای جدیدی را برای فهم نقش جنسیت در کیفیت گزارشگری مالی و نظارت مؤثر بر رفتارهای مدیریتی در اختیار می‌گذارند و همچنین پیامدهای مهمی برای قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران در زمینه تنوع جنسیتی و ترکیب تخصصی کمیته‌های نظارتی شرکت‌ها به همراه دارند.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت سود واقعی، تخصص، تجربه، کمیته حسابرسی.

## ۱- مقدمه

در جریان رسوایی‌های متوالی مالی، اغلب انتقادات و سرزنش‌ها متوجه کمیته‌های حسابرسی بوده است که مأموریت نظارتی خود را در فرآیند گزارش‌دهی مالی به‌درستی انجام نداده‌اند (بدارد و همکاران، ۲۰۰۴؛ لی و همکاران، ۲۰۱۲). از آن زمان تاکنون، بهبود اثربخشی کمیته‌های حسابرسی به یکی از اهداف اصلی قانون‌گذاران و پژوهشگران تبدیل شده است. پژوهشگران، اندازه و فعالیت کمیته را به‌عنوان عوامل کلیدی اثربخشی در نظر می‌گیرند (چوی و همکاران، ۲۰۰۴؛ بدارد و همکاران، ۲۰۰۴). با این حال، در سال‌های اخیر، قوانین جهانی بر نقش ارزش افزوده نمایندگی زنان در افزایش اثربخشی کمیته‌های حسابرسی تأکید کرده‌اند. به این ترتیب، اثربخشی هیئت‌مدیره‌ها به حضور مدیران زن مرتبط دانسته شده است.

هم‌زمان با موج جهانی قوانین سهمیه‌بندی جنسیتی، ادبیات پژوهشی فزاینده‌ای به بررسی رابطه میان نمایندگی زنان و کیفیت سود (گارتیا سانچز و همکاران، ۲۰۱۷؛ گال و همکاران، ۲۰۱۸)، کیفیت حسابرسی (لای و همکاران، ۲۰۱۷؛ سلمی و شریف، ۲۰۲۰؛ عبدالفتاح و همکاران، ۲۰۲۱؛ بوستوس-کونتل و همکاران، ۲۰۲۲) و مدیریت سود (لی و همکاران، ۲۰۲۱؛ زلاتا و همکاران، ۲۰۲۲) پرداخته‌اند. با این وجود، تا جایی که تحقیقات نشان می‌دهد، هیچ مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی و مصالحه میان مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود نپرداخته است.

هدف این مطالعه بررسی این موضوع است که چگونه حضور زنان در کمیته حسابرسی شرکت بر ترجیحات مدیریتی در مورد تکنیک‌های مورد استفاده برای مدیریت سود (اقدام تعهدی و مدیریت واقعی سود) تأثیر می‌گذارد. بنابراین، کانال‌هایی را که از طریق آنها، اعضای زن کمیته حسابرسی (تخصص و تجربه مدیران زن) بر سطح مدیریت سود تأثیر می‌گذارند، با استفاده از داده‌های شرکت‌های ایرانی بررسی می‌شوند.

انتخاب شرکت‌های ایرانی برای این مطالعه بر اساس سه دلیل اصلی انجام شده است. نخست، ایران به‌عنوان کشوری با ساختار اقتصادی خاص و محیط حسابداری متمایز، دارای استانداردهای حسابداری هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی است. این شرایط فرصت مناسبی را برای بررسی تأثیر حضور زنان در کمیته‌های حسابرسی بر مدیریت سود فراهم می‌کند. دوم، سیستم حقوقی ایران که مبتنی بر حقوق اسلامی و مدنی است، به دلیل ضعف در حمایت از سهامداران اقلیت و تمرکز قدرت در دست مدیران ارشد، فضای اختیاری گسترده‌ای را برای مدیریت ایجاد می‌کند که این امر می‌تواند منجر به افزایش سطح مدیریت سود شود (نهبان‌دیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ تقوی و

همکاران، ۱۳۹۷). در نهایت، تمرکز بالای مالکیت و ساختار مالکیت دولتی و نیمه‌دولتی که از ویژگی‌های بارز بازار ایران است، انگیزه‌های مضاعفی برای مدیریت سود فراهم می‌آورد (حیدری و همکاران، ۱۴۰۰؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۹). این دلایل ایران را به محیطی ایده‌آل برای بررسی رابطه میان حضور زنان در کمیته‌های حسابرسی و سطح مدیریت سود تبدیل می‌کند.

مطالعه ما به چندین روش به ادبیات موجود کمک می‌کند. نخست، این مطالعه با بررسی رابطه بین انتصاب زنان در کمیته حسابرسی و تجارت بین مدیریت سود مبتنی بر تعهدات و مدیریت سود واقعی به مطالعات پیشین می‌افزاید. تا جایی که تحقیقات نشان می‌دهد، این موضوع در تحقیقات قبلی در زمینه مدیریت سود نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، این مطالعه با بررسی مطالعات مربوط به رابطه بین تنوع جنسیتی و مدیریت سود (گال و همکاران، ۲۰۱۸؛ زالاتا و همکاران، ۲۰۲۲) به پشتیبانی از تحقیقات قبلی، با بررسی کانال‌هایی که از طریق آنها زنان می‌توانند بر ترجیحات مدیران در مورد روش مدیریت سود تأثیر بگذارند، می‌پردازد. همچنین، شواهدی ارائه می‌شود که نشان می‌دهد سهمیه قانونی حضور زنان در هیئت مدیره باعث افزایش اثربخشی انتصاب زنان در کاهش سطح مدیریت سود مبتنی بر تعهدات می‌شود. افزون بر این، یافته‌های این مطالعه دارای چندین پیامد عملی است. در واقع، نتایج می‌تواند برای سیاست‌گذاران در زمینه روابط بنیادی بین تنوع جنسیتی و مدیریت سود مفید باشد و انگیزه‌ای برای شرکت‌ها فراهم کند تا سهمیه قانونی برای حضور زنان را اتخاذ کنند. ساختار این مقاله به این صورت است: بخش دوم چارچوب نظری و توسعه فرضیه‌ها را بیان می‌کند. بخش سوم به شرح متغیرها و طراحی تحقیق می‌پردازد. در بخش چهارم، نتایج تجربی ارائه می‌شود. بخش پنجم مقاله مربوط به نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌کند.

## چارچوب نظری و توسعه فرضیه‌ها

این مطالعه بر مبنای بررسی نقش تنوع جنسیتی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کاهش مدیریت سود استوار است. حضور زنان در کمیته‌های حسابرسی به دلیل ویژگی‌هایی نظیر حساسیت به مسائل اخلاقی، اجتناب از ریسک و تمایل به همکاری، می‌تواند اثربخشی نظارت بر فرآیندهای حسابداری را افزایش دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این ویژگی‌ها به کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقدام تعهدی منجر می‌شود. با این وجود، افزایش نظارت ناشی از حضور زنان ممکن است مدیران را به استفاده از روش‌های مدیریت سود واقعی سوق دهد، چرا که این روش‌ها شناسایی دشوارتری دارند (کائو و همکاران، ۲۰۲۰؛ آنه

و خانگ، ۲۰۲۲). در محیط ایران، با توجه به شرایط اقتصادی خاص، و تمرکز بالای مالکیت در بسیاری از شرکت‌ها، زمینه برای مدیریت سود و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران فراهم است.

به‌علاوه، حضور زنان در هیئت‌های مدیره و کمیته‌های حسابرسی در ایران محدود بوده و عموماً با موانع فرهنگی و ساختاری مواجه است (مشایخ و همکاران، ۱۴۰۲). این موضوع بررسی اثر تنوع جنسیتی در این کمیته‌ها را در محیط ایران به‌عنوان یک زمینه پژوهشی مهم مطرح می‌کند. در این مطالعه تلاش شده است تا با در نظر گرفتن این ویژگی‌های محیطی و ساختاری، نقش حضور زنان در کمیته‌های حسابرسی شرکت‌های ایرانی بر ترجیح مدیران برای استفاده از مدیریت سود مبتنی بر تعدیلات یا واقعی بررسی شود. این تحلیل می‌تواند به ارائه بینش‌هایی برای سیاست‌گذاران و مدیران جهت بهبود نظارت و کیفیت گزارشگری مالی در ایران کمک کند.

### موقعیت زنان در کمیته حسابرسی و تعادل بین مدیریت سود مبتنی بر تعدیلات و مدیریت سود واقعی

در مطالعات پیشین درباره رابطه بین تنوع جنسیتی و مدیریت سود، توافق وجود دارد که مدیران زن با کاهش فعالیت‌های مدیریت سود، اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتری ارائه می‌دهند (گال و همکاران، ۲۰۰۹؛ گویوس و همکاران، ۲۰۱۲؛ دمک، ۲۰۱۸؛ زالاتا و همکاران، ۲۰۲۲). این موضوع ناشی از تفاوت‌های جنسیتی در فرآیند تصمیم‌گیری و گرایش کمتر زنان به ریسک است. به این ترتیب، زنان به عنوان افرادی با ریسک‌پذیری کمتر از مردان شناخته می‌شوند (کائو و همکاران، ۲۰۲۰؛ تانگ و همکاران، ۲۰۲۰). در همین زمینه، برخی از پژوهشگران نشان داده‌اند که زنان در فرآیند تصمیم‌گیری به مسائل اخلاقی حساس‌تر از همکاران مرد خود هستند (زالاتا و همکاران، ۲۰۲۲). این موضوع ممکن است به دلیل سبک رهبری زنان باشد که بر اعتماد، قوانین و همکاری تأکید دارد (چی و تیان، ۲۰۱۲).

این تمایزها بین دو جنس منجر به تبادل اطلاعات داوطلبانه بیشتر (آرون و همکاران، ۲۰۱۵)، توانایی بیشتر در مدیریت سوالات مبهم و انعطاف‌پذیری، ایجاد مباحث جدید در هیئت مدیره (اینگلی و ون در والت، ۲۰۰۵)، پویایی بیشتر و آمادگی بهتر برای جلسات می‌شود (شوارتز-زیو، ۲۰۱۷). به همین دلایل، حضور زنان همواره با مفهوم اثربخشی هیئت مدیره مرتبط بوده است (دمک، ۲۰۱۸؛ یه و همکاران، ۲۰۱۹). این اثربخشی به‌ویژه در رفتار مدیریتی در ارتباط با استراتژی مدیریت سود به‌وضوح نمایان می‌شود (زالاتا و همکاران، ۲۰۲۲). به این معنا که شرکت‌ها تمایل دارند اثربخشی هیئت مدیره را برای افزایش

احتمال کشف مدیریت سود تقویت کنند (لاکال و همکاران، ۲۰۱۵).  
با این حال، تمامی مطالعات فوق از تعهدات اختیاری برای تخمین روند مدیریت سود استفاده کرده‌اند که برای درک اثر حضور زنان بر رفتار مدیریت سود کافی نیست، زیرا از یک روش جایگزین یعنی مدیریت سود واقعی استفاده می‌شود (اوروزالین، ۲۰۲۰). در این زمینه، مطالعات پیشین شواهدی ارائه می‌دهند که معمولاً مدیران برای دستیابی به اهداف مشابه بین دو نوع روش‌های مدیریت سود (مدیریت ارقام تعهدی و واقعی سود) معامله می‌کنند (چانگ و همکاران، ۲۰۱۸؛ ویانا و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، زانگ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که مدیران روش مدیریت واقعی سود را به دلیل دشواری در کشف آن بیشتر ترجیح می‌دهند.

در همین راستا، کوتاری و همکاران (۲۰۱۶) پیشنهاد می‌کنند که مدیریت واقعی سود در شرایطی که نظارت بر رویه‌های حسابداری، چه توسط مکانیزم‌های داخلی مانند کمیته حسابرسی یا حسابرس خارجی، بالا باشد، مفیدتر از مدیریت ارقام تعهدی است. با توجه به اینکه حضور زنان در کمیته حسابرسی، اثربخشی این مکانیزم داخلی نظارت بر رویه‌های حسابداری را افزایش می‌دهد، پیش‌بینی می‌شود که نسبت زنان در هیئت مدیره با سطح پایین مدیریت ارقام تعهدی مرتبط است. با این وجود، این ممکن است به طور غیرعمدی به سطح بالاتر مدیریت واقعی سود منجر شود. به عبارت دیگر، مدیران شرکت‌هایی که نمایندگی زنان بیشتری در کمیته حسابرسی دارند، احتمالاً از روش مدیریت واقعی سود بیشتر از مدیریت ارقام تعهدی استفاده می‌کنند (آلوز، ۲۰۲۳). در تحقیقات داخلی، فیض آبادی و همکاران (۱۴۰۱) نشان داده‌اند که حضور زنان در کمیته حسابرسی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود کیفیت گزارشگری مالی ایفا کند. بزرافشان و جعفرزاده (۱۴۰۳) نیز به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی بین تخصص کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی وجود دارد. به طور خاص، این مطالعات نشان داده‌اند که ترکیب جنسیتی و تنوع در کمیته‌های حسابرسی در محیط ایران که دارای استانداردهای حسابداری متفاوت و محدودیت‌های نظارتی است، می‌تواند تأثیر مهمی بر رفتارهای مدیریت سود داشته باشد. بنابراین، فرضیه‌های پژوهش در مورد حضور زنان به شرح زیر است:

**فرضیه اول:** حضور زنان در کمیته حسابرسی با سطح مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی ارتباط منفی دارد.

**فرضیه دوم:** حضور زنان در کمیته حسابرسی با سطح مدیریت سود واقعی ارتباط مثبت دارد.

## تخصص اعضای زن کمیته حسابرسی و توازن بین مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی

تخصص مدیران همواره به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در اثربخشی کمیته حسابرسی شناخته شده است (بدارد و همکاران، ۲۰۰۴). در این زمینه، مطالعات پیشین تأثیر تخصص‌های مالی، صنعتی و حقوقی را در کاهش سطح مدیریت سود بررسی کرده‌اند. اهمیت حضور متخصص مالی در کمیته حسابرسی توسط سیاست‌گذاران (مانند مقررات ساربینز-آکسلی) مورد تأکید قرار گرفته و توسط پژوهش‌های پیشین تأیید شده است. در این راستا، تحقیقات نشان داده‌اند که تخصص مالی مدیران باعث افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی (کریشنان و همکاران، ۲۰۱۱؛ کوهن و همکاران، ۲۰۱۴)، بهبود کیفیت گزارش‌های مالی (الکبسی و همکاران، ۲۰۲۲) و حمایت بیشتر از حسابرس خارجی می‌شود (نایپر و همکاران، ۲۰۱۳). این عوامل در مجموع منجر به کاهش سطح مدیریت سود تهاجمی می‌شوند (زالاتا و همکاران، ۲۰۲۲؛ آتیا و همکاران، ۲۰۲۴).

در ارتباط با تخصص صنعتی، تحقیقات نشان داده‌اند که این نوع تخصص کیفیت حسابرسی را افزایش داده و کیفیت گزارش‌های مالی را بهبود می‌بخشد (ریچلت و وانگ، ۲۰۱۰). به همین ترتیب، کوهن و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که تخصص صنعتی باعث درک بهتر از ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های صنعت می‌شود و این امر به ارائه گزارش‌های حسابرسی باکیفیت‌تر و کاهش سطح مدیریت سود منجر می‌شود. به‌تازگی، الحبابسه و یکینی (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که تخصص صنعتی اعضای کمیته حسابرسی به مدیران امکان می‌دهد شناخت بهتری از عملیات شرکت و شرایط مالی آن داشته باشند.

در مقابل، تخصص حقوقی توجه کمتری را در میان پژوهشگران به خود جلب کرده است. بر اساس دانش موجود، تنها کریشنان و همکاران (۲۰۱۱) تأثیر تخصص حقوقی بر مدیریت سود را بررسی کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که حضور مدیرانی با تخصص حقوقی در کمیته حسابرسی با بهبود کیفیت گزارش‌های مالی همراه است. علاوه بر این، حضور اعضای که هم‌زمان دارای دو نوع تخصص مالی و حقوقی هستند، تأثیر مضاعفی بر بهبود کیفیت اطلاعات مالی دارد. این موضوع از آن جهت است که مدیران با آموزش حقوقی معمولاً نسبت به خطرات دعاوی حقوقی حساس‌تر هستند و نیاز فوری به اصلاح ناهنجاری‌ها را پیش از بروز مشکلات قانونی درک می‌کنند. در ایران نیز مطالعات معدودی به بررسی نقش تخصص و ترکیب کمیته حسابرسی پرداخته‌اند. فیض آبادی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران باعث کاهش مدیریت

سود تعهدی می‌شود. همچنین، مشایخ و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر تخصص کمیته حسابرسی را بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود کیفیت حسابرسی تأیید کردند. در این پژوهش با توجه به اینکه تخصص صنعتی و حقوقی اعضای کمیته حسابرسی در اکثر مواقع افشا نمی‌شود، تنها از شاخص تخصص مالی اعضای هیات مدیره زن و بر اساس افشای مدارک دانشگاهی آن‌ها استفاده می‌شود.

با توجه به این یافته‌ها و با در نظر گرفتن اینکه مدیران زن ریسک‌گریزتر هستند و اهمیت بیشتری برای مسائل اخلاقی قائل می‌شوند (تانگ و همکاران، ۲۰۲۰)، انتظار می‌رود که تخصص مالی، صنعتی و حقوقی نقش مهمی در افزایش اثربخشی حضور زنان در کمیته حسابرسی ایفا کند. به‌عبارتی دیگر، پیش‌بینی می‌شود مدیران، در حضور اعضای زن دارای تخصص مالی، صنعتی یا حقوقی، سطح مدیریت سود تعهدی را کاهش داده و به سمت مدیریت سود واقعی حرکت کنند، حتی اگر این تغییر با هزینه‌های اضافی همراه باشد، تا خطر شناسایی کاهش یابد. بنابراین، فرضیات مرتبط با تخصص زنان به این شرح است:

**فرضیه سوم:** تخصص مالی اعضای زن کمیته حسابرسی با کاهش سطح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی ارتباط منفی دارند.

**فرضیه چهارم:** تخصص مالی اعضای زن کمیته حسابرسی با افزایش سطح مدیریت سود واقعی ارتباط مثبت دارند.

## تجربه حرفه‌ای اعضای زن کمیته حسابرسی و معادله تعادلی بین مدیریت سود تعهدی و واقعی

تجربه حرفه‌ای به‌عنوان یک عامل مهم در تعیین کیفیت مدیران در نظر گرفته می‌شود، زیرا مهارت‌های مدیران را تقویت کرده و سطح درک آن‌ها از فعالیت‌های شرکت و محیط آن را بهبود می‌بخشد (بن-عمار و همکاران، ۲۰۱۳؛ ال لواتی و همکاران، ۲۰۲۱). برای این منظور، محققان از سه شاخص تجربه استفاده می‌کنند که شامل مدت تصدی، سن و عضویت در هیئت مدیره‌های متعدد است. مدت تصدی با سطح پایین‌تری از تقلب در صورت‌های مالی، سطح پایین‌تری از مدیریت سود و سطح بالاتری از اثربخشی هیئت مدیره مرتبط است (لی و وحید، ۲۰۱۸؛ ال‌دیری و همکاران، ۲۰۲۰؛ لی و همکاران، ۲۰۲۳). این امر معمولاً به این دلیل توضیح داده می‌شود که مشارکت طولانی‌مدت مدیران با دانش مهم و درک بیشتری از فعالیت‌های شرکت و محیط تجاری آن همراه است. به این ترتیب، لای و همکاران (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که مدیران با مدت تصدی طولانی‌تر، ریسک دعاوی قضائی را در نظر می‌گیرند، به دلیل تأثیر آن بر سرمایه شهرت، بر خلاف مدیرانی که مدت تصدی

فرآیند تصمیم‌گیری و بحث در هیئت مدیره می‌شود (هیلمن و همکاران، ۲۰۰۷)، فرضیه‌های پژوهش در مورد تجربه حرفه‌ای مدیران به شرح زیر است:

فرضیه پنجم: تجربه حرفه‌ای اعضای زن کمیته حسابرسی ارتباط منفی با سطح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی دارند. فرضیه ششم: تجربه حرفه‌ای اعضای زن کمیته حسابرسی ارتباط مثبت با سطح مدیریت سود واقعی دارند.

### مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول تا چهارم از رابطه ۱ مطابق پژوهش آتیا و همکاران (۲۰۲۴) استفاده می‌شود. نحوه محاسبه هر یک متغیرهای پژوهش در ادامه ذکر خواهد شد:

$$AEM \text{ or } REM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 ACFEMALE_{i,t} + \alpha_2 ACFE_{i,t} + \alpha_3 ACEXPE_{i,t} + \alpha_4 SG_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 MTB_{i,t} + \alpha_7 LEV_{i,t} + \alpha_8 ROA_{i,t} + \alpha_9 AGE_{i,t} + \alpha_{10} INSOW_{i,t} + \alpha_{11} BS_{i,t} + \alpha_{12} BI_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این رابطه:

*AEM*: مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی؛ *REM*: مدیریت سود واقعی؛ *ACFEMALE*: حضور زنان در هیات مدیره؛ *ACFE*: تخصص مالی زنان در کمیته حسابرسی؛ *ACEXPE*: تجربه زنان در کمیته حسابرسی که از طریق دو شاخص (*ACAGE*: سن اعضای زن کمیته حسابرسی و *ACTEN*: دوره تصدی زنان در کمیته حسابرسی) سنجیده می‌شود؛ *SG*: رشد فروش؛ *SIZE*: اندازه شرکت؛ *MTB*: فرصت‌های سرمایه‌گذاری؛ *LEV*: اهرم مالی؛ *ROA*: بازده دارایی‌ها؛ *AGE*: سن شرکت؛ *INSOW*: نسبت سهامداران نهادی؛ *BS*: اندازه هیات مدیره؛ *BI*: استقلال هیات مدیره.

### متغیر وابسته: مدیریت سود

مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی: در این پژوهش، از مدل اصلاح‌شده جونز (دچو و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده می‌شود که در تحقیقات قبلی به عنوان مدل برتر برای برآورد ارزش مطلق اقلام تعهدی اختیاری شناخته شده است. اقلام تعهدی اختیاری، به عنوان معیاری برای مدیریت سود، به عنوان تفاوت بین اقلام تعهدی کل و اقلام تعهدی عادی (یا مورد انتظار) مطابق روابط ۲ تا ۴ محاسبه می‌شود (زنگ، ۲۰۱۲).

کوتاهی دارند. به‌طور مشابه، زالاتا و همکاران (۲۰۲۲) اشاره می‌کنند که مدیران زن با مدت تصدی طولانی‌تر احتمالاً استقلال خود را در طول زمان حفظ می‌کنند.

مسئله سن متوسط مدیران در ادبیات تحقیق به‌طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. به‌طور خاص، برتراند و شوآر (۲۰۰۳) پیشنهاد می‌کنند که مدیران مسن‌تر کمتر احتمال دارد که نسبت به ریسک‌ها تساهل داشته باشند، برخلاف مدیران جوان‌تر. به همین ترتیب، چوی و همکاران (۲۰۱۰) ثابت کرده‌اند که مدیران مسن‌تر تجربه بیشتری برای موفقیت در وظایف خود دارند. علاوه بر این، تنوع سنی به‌طور مثبت با اثربخشی و عملکرد هیئت مدیره مرتبط است (پاین و همکاران، ۲۰۰۹).

در خصوص عضویت در هیئت‌مدیره‌های متعدد، که با تعداد سندی‌های هیئت مدیره برای مدیران اندازه‌گیری می‌شود، به‌عنوان یک عامل کلیدی برای غنی‌سازی سرمایه شهرت مدیران از طریق تخصص نظارتی در نظر گرفته شده است (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). در واقع، داشتن عضویت در هیئت‌مدیره‌های متعدد تبادل اطلاعات را تسهیل می‌کند که به نوبه خود به مدیران کمک می‌کند تا درک بهتری از مسائل تجاری داشته باشند و کارایی هیئت مدیره را افزایش دهند (کانلی و ون اسلاپیک، ۲۰۱۲). اخیراً، شو و همکاران (۲۰۱۵) ثابت کردند که تخصص مالی که از طریق عضویت در هیئت‌مدیره‌های متعدد به دست می‌آید، به مدیران کمک می‌کند تا سطح مدیریت سود را کاهش دهند. پژوهش‌های ایرانی نیز نشان داده‌اند که تجربه حرفه‌ای اعضای هیئت مدیره، به ویژه تجربه در کمیته‌های حسابرسی، می‌تواند تأثیر زیادی بر کیفیت گزارشگری مالی و کاهش مدیریت سود داشته باشد. به عنوان مثال، تحقیقی توسط تجویدی و قائم پناه (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که هیئت مدیره‌های با تجربه، با نظارت بیشتر، تمایل کمتری به استفاده از مدیریت سود تعهدی دارند و در عوض به استفاده از روش‌های مدیریت سود واقعی تمایل نشان می‌دهند. همچنین، فخاری و همکاران (۱۳۹۴) بیان می‌کنند که در شرکت‌های ایرانی، حضور مدیران با تجربه در کمیته حسابرسی باعث افزایش شفافیت مالی و کاهش احتمال سوء استفاده‌های مالی می‌شود.

با توجه به اینکه مطالعات ذکر شده شواهدی ارائه می‌دهند که همه شاخص‌های تجربه حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی، یعنی مدت تصدی، سن و عضویت در هیئت مدیره‌های متعدد، توانمندی‌های نظارتی کمیته‌های حسابرسی را که در آن‌ها عضویت دارند، افزایش می‌دهند و بدین ترتیب سطح مدیریت سود تعهدی را کاهش می‌دهند. بر اساس این ایده که زنان مجموعه تجربه متفاوتی نسبت به مردان دارند که منجر به بهبود

هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های بازاریابی، به مشاهده غیرعادی افزایش مخارج تولید و کاهش غیرعادی هزینه‌های اختیاری با توجه به فروش منجر می‌شود. به منظور تجزیه مخارج واقعی تولید و هزینه‌های اختیاری، به بخش نرمال (منتظره) و غیر نرمال (غیرمنتظره)، از روابط (۶) و (۷) استفاده شده است (آتیا و همکاران، ۲۰۲۴):

$$\begin{aligned} & Prod_{it}/A_{i,t-1} \\ & = a_1/A_{i,t-1} + a_2Sales_{it}/A_{i,t-1} \\ & + a_3\Delta Sales_{it}/A_{i,t-1} + a_4\Delta Sales_{i,t-1}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$$DiscE_{it}/A_{i,t-1} = a_1/A_{i,t-1} + a_2Sales_{i,t-1}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه‌ها، *Prod* نشان دهنده هزینه‌های تولید است که از حاصل جمع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییر در موجودی کالا به دست می‌آید. *DiscE* معرف هزینه‌های اختیاری یا همان هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است. جریان نقد عملیاتی غیرعادی (*AbCFO*) تولید غیرعادی (*AbProd*) و هزینه‌های اختیاری غیرعادی (*AbDisc*) از طریق تفاوت بین ارزش‌های واقعی متغیر مد نظر که با توجه به دارایی‌های دوره قبل بی‌مقیاس شده است و سطح نرمال آن‌ها، به دست آمدند. این سه متغیر، شاخص‌های اصلی مدیریت سود واقعی هستند که در تحلیل‌های این پژوهش استفاده شده‌اند. ممکن است شرکتی از تمام یا تعدادی از این سه استراتژی بیان شده استفاده کند تا درآمد دوره خود را افزایش دهد. به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از رابطه ۸ استفاده خواهد شد که در آن *AbREM* معرف مدیریت سود واقعی (یا همان *REM*) و نشان دهنده معیار اصلی مدیریت سود واقعی است.

$$AbREM = (-1) AbCFO + AbProd + (-1) AbDisc \quad \text{رابطه ۸}$$

**متغیر مستقل: نمایندگی، تخصص و تجربه اعضای زن کمیته حسابرسی**

با پیروی از مطالعات قبلی (گال و همکاران، ۲۰۱۸؛ نهیلی و همکاران، ۲۰۱۹؛ سلامی و شریف، ۲۰۲۰)، متغیر مستقل مرتبط با نمایندگی زنان در این مطالعه با استفاده از نسبت زنان عضو در کمیته حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود. علاوه بر این، از مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصی برای برجسته‌سازی تأثیر تخصص و تجربه افراد استفاده می‌شود.

حضور زنان در هیات مدیره (*ACFEMALE*): درصد اعضای هیات مدیره زن در کمیته حسابرسی؛

$$\begin{aligned} \text{رابطه (۲)} \quad \frac{ACC_{it}}{A_{i,t-1}} &= \alpha_0 \left( \frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_1 \left( \frac{\Delta REV_{it}}{A_{i,t-1}} \right) \\ &+ \alpha_2 \left( \frac{PPE_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

*ACC<sub>it</sub>*: کل اقلام تعهدی یک شرکت در دوره *t*  
*ΔREV*: تغییرات درآمد که از تفاوت فروش سال قبل و سال جاری می‌باشد،

*PPE<sub>it</sub>*: دارایی‌های ثابت مشهود یک شرکت در دوره *t*  
پس از محاسبه کل اقلام تعهدی و قرار دادن آن در مدل زیر اقلام تعهدی غیر اختیاری محاسبه می‌شود:

$$UEA_{i,t} = ACC_{i,t} - [\alpha_{0,t} + \alpha_{1,t}\Delta REV_{it} + \alpha_{2,t}PPE_{it}]$$

*UEA<sub>it</sub>*: اقلام تعهدی غیر اختیاری یک شرکت در دوره *t*  
با استفاده از دو مدل قبلی و ضرایب مورد نیاز و همچنین اقلام تعهدی غیر اختیاری، حال برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از رابطه ۴ استفاده می‌شود (آلوز، ۲۰۲۳):

$$EA_{it} = ACC_{it} - UEA_{it} \quad \text{رابطه (۴)}$$

*EA<sub>it</sub>*: اقلام تعهدی اختیاری یک شرکت در دوره *t*  
**مدیریت واقعی سود:** برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی، این مطالعه از مدل رویچوهدری (۲۰۰۶) استفاده می‌کند که در تحقیقات قبلی به کار رفته است. بر اساس این مدل، مدیریت سود واقعی می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند دستکاری فروش، تولید بیش از حد یا هزینه‌های اختیاری نمود پیدا کند. با این وجود، رویچوهدری (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که جریان‌های نقدی عملیاتی می‌توانند تحت تأثیر عوامل دیگری قرار گیرند که بر اثرات آنها در پیچیدگی مدیریت سود واقعی می‌افزاید. به طور خاص، او بیان می‌کند که جریان نقدی می‌تواند از طریق اقداماتی مانند تخفیف قیمت، انباشت کالا در کانال‌ها یا تولید بیش از حد کاهش یابد، در حالی که می‌تواند از طریق هزینه‌های اختیاری افزایش یابد. بنابراین مدیریت سود واقعی برابر است با حاصل جمع اندازه‌گیری سطح جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی در سال انجام مدیریت سود. با استفاده از رابطه ۵ جریان نقد عملیاتی واقعی به بخش‌های عادی (مورد انتظار) و غیرعادی (غیرمنتظره) تفکیک شدند (آتیا و همکاران، ۲۰۲۴):

$$\begin{aligned} \text{رابطه ۵} \quad \frac{CFO_{i,t}/A_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} &= a_1 1/A_{i,t-1} \\ &+ a_2Sales_{it}/A_{i,t-1} + a_3\Delta Sales_{it}/A_{i,t-1} \\ &+ \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در این رابطه، *CFO* جریان نقد عملیاتی شرکت *i* در پایان سال *t* را نشان می‌دهد. استراتژی‌های افزایش درآمد از طریق تولید بیش از حد و کاهش هزینه‌های اختیاری مانند

شرکت‌های ایرانی پس از اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مرتبط با شفافیت مالی و حاکمیت شرکتی، مشارکت خود را در مدیریت سود تعهدی کاهش داده‌اند. در این راستا، تغییرات در مقررات، به ویژه پس از اجرای قوانین مربوط به افشای اطلاعات و تقویت شفافیت، باعث کاهش سطح مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در شرکت‌های ایرانی شده است. به طور مشابه، می‌توان گفت که افزایش سطح تنوع جنسیتی در کمیته‌های حسابرسی ممکن است تأثیر مثبتی در کاهش این نوع مدیریت سود داشته باشد. از سوی دیگر، مشاهده شد که شرکت‌های ایرانی بیشتر به سمت استفاده از مدیریت سود واقعی تمایل دارند، که میانگین آن برابر با ۰/۱۸۳ است. این امر نشان‌دهنده این است که در شرایط فعلی، شرکت‌های ایرانی بیشتر از مدیریت سود واقعی برای دستکاری سود استفاده می‌کنند.

برای متغیرهای مدیریت سود واقعی، جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین  $REM_{PROD}$  مثبت (۰/۰۱۱) و میانگین  $REM_{DISX}$  منفی (۰/۰۹۳-) است، که نشان‌دهنده این است که شرکت‌های ایرانی بیشتر تمایل دارند که از طریق تغییر سطح تولید وارد مدیریت سود واقعی شوند. این امر می‌تواند به دلیل فشارهای اقتصادی و رقابتی در بازار ایران باشد که شرکت‌ها را وادار به تولید بیشتر می‌کند تا به نتایج مالی مطلوب دست یابند. در خصوص تنوع جنسیتی، از جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که درصد مدیران زن در کمیته‌های حسابرسی در ایران برابر با ۱۰/۷٪ است که این درصد می‌تواند به‌عنوان یک درصد مهم در نظر گرفته شود. این میزان از تنوع جنسیتی در کمیته‌های حسابرسی نشان می‌دهد که شرکت‌های ایرانی تا حدی به حضور زنان در این کمیته‌ها توجه کرده‌اند، که می‌تواند به‌عنوان یک سیگنال به بازار برای نشان دادن سطح پایین‌تری از مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی تلقی شود. در خصوص ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، آمار توصیفی ترکیب کمیته‌های حسابرسی نشان می‌دهند که میانگین سن مدیران حدود ۵۲ سال است و مدت خدمت بین ۱ تا ۱۶ سال متغیر است. همچنین نشان داده می‌شود که درصد مدیرانی زنی که تخصص مالی دارند ۱۷/۵٪ است. این ویژگی‌ها می‌تواند نشان‌دهنده تجربه و توانمندی بالای اعضای کمیته‌های حسابرسی در ایران باشد که به تقویت نظارت و کاهش احتمال مدیریت سود تعهدی کمک می‌کند.

تخصص مالی اعضای زن کمیته حسابرسی (ACFE): نسبت اعضای زن کمیته حسابرسی با مدارک دانشگاهی مالی، حسابداری و حسابرسی به کل اعضای کمیته حسابرسی. برای بررسی تجربه اعضای زن کمیته حسابرسی از دو شاخص زیر استفاده می‌شود: سن زنان در کمیته حسابرسی (ACAGE): میانگین سنی مدیرانی که عضو کمیته حسابرسی شرکت هستند، این شاخص معیاری از تجربه زنان در کمیته حسابرسی تلقی می‌شود. مدت زمان تصدی (ACTEN): میانگین تعداد سال‌هایی که اعضای هیأت مدیره زن در کمیته حسابرسی سپری می‌کنند. این شاخص معیاری از تخصص زنان در پست‌های مربوط به کمیته حسابرسی تلقی می‌شود.

### متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل اثرات متغیر وابسته پژوهش (مدیریت سود) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده می‌شود. این متغیرها ارتباط تنگاتنگی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی دارند:

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی دارایی‌های کل در سال  $t$   
 اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی به دارایی‌های کل؛  
 بازده دارایی‌ها (ROA): نسبت درآمد عملیاتی خالص قبل از اقلام فوق‌العاده تقسیم بر دارایی‌های کل؛  
 سن شرکت (AGE): لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های سپری شده از تاریخ شروع فعالیت شرکت؛  
 نسبت ارزش دفتری به بازار (BTM): ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام؛  
 رشد فروش (SG): تغییرات فروش از سال گذشته تا سال جاری تقسیم بر فروش سال گذشته؛  
 اندازه هیئت مدیره (BS): تعداد کل اعضای هیئت مدیره؛  
 استقلال هیئت مدیره (BI): درصد مدیران غیر اجرایی مستقل از کل اعضای هیئت مدیره؛  
 مالکیت نهادی (INSOW): درصد سهام متعلق به سرمایه‌گذاران نهادی.

آمار توصیفی تمام متغیرها در جدول ۱ نمایش داده شده است. میانگین متغیر وابسته،  $Abs - AEM$ ، برابر با ۰/۰۵۶ است که کمتر از آماري است که در سایر مطالعات داخلی مشابه، مانند تحقیقی که توسط تجویدی و قائم پناه (۱۴۰۰) برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۴ در بازار سرمایه ایران انجام شده، با مقدار ۰/۴۸۴ به‌دست آمده است. این نتیجه ایده‌ای را تأیید می‌کند که

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	میان	حداکثر
<i>Abs - DACC</i>	۰/۰۵۶	۰/۰۶۷	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۶۱۱
<i>REM</i>	۰/۱۸۳	۰/۳۴۰	-۰/۲۳۵	۰/۳۵۹	۲/۵۲۶
<i>REM<sub>PROD</sub></i>	۰/۰۱۱	۰/۰۳۲	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۴	۰/۱۱۰
<i>REM<sub>DISX</sub></i>	-۰/۰۹۳	۰/۱۶۶	-۰/۰۴۳	-۰/۰۴۴	۰/۳۷۹
<i>REM<sub>CFO</sub></i>	-۰/۰۵۳	۰/۱۲۹	-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۲۹	۰/۲۹۳
<i>ACFEMALE</i>	۰/۱۰۷	۰/۰۹۳	۰	۰	۱
<i>ACFE</i>	۰/۱۷۵	۰/۱۰۴	۰	۰/۱۰۰	۱
<i>ACAGE</i>	۵۲	۴/۶۷۳	۳۹	۵۵	۷۲
<i>ACTEN</i>	۵	۱/۹۳۲	۱	۳	۱۶
<i>SG</i>	۰/۰۸۳	۰/۰۸۹	-۰/۰۷۳	۰/۰۵۳	۰/۴۳۱
<i>SIZE</i>	۱۳/۷۳	۱/۱۴۹	۱۰/۸۵	۱۲/۷۷	۱۴/۸۸۶
<i>MTB</i>	۲/۶۵۳	۱/۳۳۷	۰/۰۸۴	۱/۲۸۸	۷/۵۳۹
<i>LEV</i>	۰/۶۶۳	۰/۱۶۸	۰/۰۸۹	۰/۴۶۷	۰/۸۳۲
<i>ROA</i>	۰/۱۴۷	۰/۱۲۳	-۰/۱۴۳	۰/۱۰۸	۰/۴۲۲
<i>AGE</i>	۳/۴۵۷	۱/۹۳۸	۱/۹۹۳	۲/۶۳۰	۵/۷۳۸
<i>INSOW</i>	۰/۴۳۵	۰/۱۴۳	۰/۰۷۵	۰/۲۸۸	۰/۶۷۲
<i>BS</i>	۵	۱/۲۳۳	۳	۵	۹
<i>BI</i>	۰/۴۲۰	۰/۲۷۷	۰/۲۰۰	۰/۴۰۰	۰/۸۰۰

## آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۲ و ۳ نتایج رگرسیون‌های پژوهش برای هر دو نوع مدیریت سود، یعنی مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود را نشان می‌دهد. این نتایج با استفاده از تکنیک‌های داده‌های پانل به‌دست آمده و پس از شناسایی و اصلاح مشکلات همسانی و خودهمبستگی در مجموعه داده‌های ما تحلیل شده است. مدل‌های کلی در سطح ۱٪ معنادار هستند. نتایج نشان می‌دهد که درصد حضور بیشتر زنان در کمیته حسابرسی با کاهش سطح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (با ضریب  $-۰/۳۷۵$  و سطح معنی داری  $۰/۰۰۴$ ) از یک سو و افزایش سطح مدیریت واقعی سود (با ضریب  $۰/۲۳۴$  و سطح معنی داری  $۰/۰۰۵$ ) از سوی دیگر مرتبط است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش مشارکت زنان در کمیته حسابرسی احتمالاً با تقویت نقش نظارتی کمیته، از طریق ارتقاء حساسیت اخلاقی و تنوع در تصمیم‌گیری، منجر به محدود شدن استفاده مدیران از اقلام تعهدی اختیاری می‌شود اما در شرایطی که نظارت بر اقلام تعهدی تشدید می‌شود، مدیران ممکن است به‌صورت جایگزین از تکنیک‌های مدیریت واقعی سود، مانند کاهش هزینه‌های اختیاری یا تغییر در زمان‌بندی فعالیت‌های عملیاتی، استفاده نمایند. این پدیده با نظریه جابجایی بین اشکال مختلف مدیریت سود همخوانی دارد و نشان می‌دهد که فشار نظارتی

ممکن است به تغییر شکل مدیریت سود بینجامد، نه حذف کامل آن. در این زمینه، گاوپوس و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که زنان هنگام قضاوت و رفتارهای خود اخلاق و مسئولیت‌پذیری را مدنظر قرار می‌دهند و در صورت بروز خطا یا شکست، احساس مسئولیت می‌کنند، برخلاف مردان که شکست‌های خود را به عوامل خارجی نسبت می‌دهند. این یافته‌ها مشابه نتایج مطالعات پیشین هستند که ارزش افزوده زنان را از نظر نظارت و پایش به‌عنوان یک عامل کلیدی در کاهش فعالیت‌های مدیریت سود می‌دانند (گاوپوس و همکاران، ۲۰۱۲؛ لاکال و همکاران، ۲۰۱۵؛ دمک، ۲۰۱۸)، که استفاده از مدیریت واقعی سود به‌عنوان یک روش جایگزین برای دستکاری سود در شرکت‌های با نمایندگی بیشتر زنان را توضیح می‌دهد. بنابراین، فرضیه‌های ۱ و ۲ تأیید می‌شوند.

جدول ۲. ارتباط نمایندگی و ویژگی‌های اعضای زن کمیته حسابرسی با مدیریت مبتنی بر ارقام تعهدی

نام متغیرها	ضرایب	خطا	t	سطح معناداری	هم خطی
عدد ثابت	۱/۵۲۲	۰/۳۴۶	۴/۳۹۷	۰/۰۰۰	-
$ACFEMALE_{i,t}$	-۰/۳۷۵	۰/۱۳۰	-۲/۸۸۵	۰/۰۰۴	۱/۷۵۰
$ACFE_{i,t}$	-۰/۲۶۵	۰/۰۹۸	-۲/۷۰۴	۰/۰۰۷	۱/۵۰۲
$ACAGE_{i,t}$	-۰/۰۷۸	۰/۰۳۴	-۲/۲۹۴	۰/۰۲۲	۱/۲۰۱
$ACTEN_{i,t}$	-۰/۱۲۴	۰/۰۴۸	-۲/۵۸۳	۰/۰۱۱	۱/۴۵۰
$SG_{i,t}$	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۸	-۲/۵۴۴	۰/۰۱۳	۱/۸۰۰
$SIZE_{i,t}$	۰/۱۳۲	۰/۰۳۲	۴/۱۲۵	۰/۰۰۰	۲/۲۰۹
$MTB_{i,t}$	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۵۰۰	۰/۶۱۷	۱/۶۰۳
$LEV_{i,t}$	۰/۰۴۵	۰/۰۱۹	۲/۳۶۸	۰/۰۱۹	۱/۹۰۱
$ROA_{i,t}$	-۰/۰۷۰	۰/۰۲۱	-۲/۳۳۳	۰/۰۰۱	۱/۳۰۲
$AGE_{i,t}$	۰/۰۱۳	۰/۰۰۷	۱/۸۵۷	۰/۰۶۴	۱/۴۹۰
$INSOW_{i,t}$	۰/۰۲۳	۰/۰۱۶	۱/۴۳۸	۰/۱۵۱	۱/۵۵۵
$BS_{i,t}$	۰/۰۷۸	۰/۰۲۷	۲/۸۸۹	۰/۰۰۵	۱/۷۹۰
$BI_{i,t}$	۰/۰۵۶	۰/۰۲۵	۲/۲۴۰	۰/۰۲۷	۱/۶۸۰
$R^2$ تعدیل شده	۰/۴۵۶				
دوربین واتسون	۱/۹۳۶				
F آماره	۹/۳۹۴				
احتمال آماره F	۰/۰۰۰				
سطح معنی‌داری F لیمر	۰/۰۰۰				
سطح معنی‌داری هاسمن	۰/۰۰۰				
ناهمسانی - معنی‌داری	۰/۱۳۶				
چارک بر- معنی‌داری	۰/۲۶۴				

مالی موجب مهار مدیریت سود تعهدی می‌شود، در مهار مدیریت واقعی سود ممکن است اثربخشی محدودتری داشته باشد؛ احتمالاً به دلیل ماهیت کمتر شفاف مدیریت سود واقعی و دشواری بیشتر در تشخیص آن توسط نهادهای نظارتی داخلی. به‌علاوه، به‌طور کلی، مدیران با تخصص در حسابداری یا مدیریت مالی از طریق توانایی‌های بهبود یافته در نظارت بر انتخاب‌های حسابداری شرکت، فعالیت‌های مدیریت سود را کاهش می‌دهند. در این مطالعه، تخصص شامل تخصص مالی است که این تخصص توانایی‌های مدیران را برای نظارت بر انتخاب‌های حسابداری شرکت افزایش می‌دهند. بنابراین، رابطه منفی بین تخصص مدیران زن و مدیریت مبتنی بر ارقام تعهدی ممکن است به این دلیل باشد که مدیریت مبتنی بر ارقام تعهدی بر اساس انتخاب‌های حسابداری است. از سوی دیگر، رابطه نامعنی‌دار با مدیریت واقعی سود می‌تواند به این دلیل باشد که مدیریت واقعی سود بر اساس تصمیمات واقعی است. در نتیجه، مدیران در شرکت‌هایی با تخصص مالی بالاتر مدیران زن، بیشتر از مدیریت

در خصوص تخصص زنان، یافته‌ها نشان می‌دهد مدیران زن با سطح بالاتر در زمینه تخصص مالی، رابطه منفی (۰/۲۶۵-) و معنی‌دار (۰/۰۰۷) با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی دارند، اما رابطه معناداری (۰/۰۸۷) با مدیریت واقعی سود ندارند. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه سطح تخصص مالی زنان عضو کمیته حسابرسی بالاتر باشد، توانایی این کمیته در شناسایی، کنترل و محدودسازی ارقام تعهدی اختیاری نیز بیشتر می‌شود. این یافته با مبانی نظری مرتبط با نظارت مؤثر مبتنی بر دانش تخصصی هم‌راستا است؛ به‌ویژه نظریه نمایندگی که تأکید دارد تخصص حسابرسان داخلی و اعضای کمیته حسابرسی می‌تواند شکاف اطلاعاتی بین مدیران و ذی‌نفعان را کاهش دهد و مانع رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران شود. از سوی دیگر، این یافته‌ها نشان می‌دهد که تخصص مالی زنان در کمیته حسابرسی تأثیر بازدارنده قابل‌توجهی بر استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود واقعی مانند زمان‌بندی فروش، تغییر هزینه‌های تولید یا کاهش هزینه‌های اختیاری ندارد. به عبارت دیگر، در حالی که تخصص

و سن اعضای زن در کمیته حسابرسی) بر مدیریت سود برای هر دو نوع مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود است. این تأثیر منفی بیانگر آن است که با افزایش تجربه حرفه‌ای زنان در کمیته حسابرسی، شناسایی و مقابله با رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت در هر دو بُعد تعهدی و واقعی سودآوری تقویت می‌شود.

واقعی سود به جای مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی استفاده می‌کنند. بنابراین، فرضیه دوم تأیید و فرضیه سوم رد می‌شود. همچنین، نتایج در جدول ۲ و ۳ نشان می‌دهد که در خصوص تجربه زنان، ضریب دوره تصدی (۰/۰۷۸، -۰/۱۱۲) و سن اعضای زن در کمیته حسابرسی (۰/۱۲۴، -۰/۰۹۸) نشان دهنده تأثیر منفی تجربه اعضای کمیته حسابرسی (دوره تصدی

جدول ۳. ارتباط نمایندگی و ویژگی‌های اعضای زن کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی

نام متغیرها	ضرایب	خطا	t	سطح معناداری	هم خطی
عدد ثابت	۱/۴۵۷	۰/۳۱۵	۴/۶۲۸	۰/۰۰۰	-
$ACFEMALE_{i,t}$	۰/۲۳۴	۰/۰۸۳	۲/۸۲۰	۰/۰۰۵	۱/۶۴۸
$ACFE_{i,t}$	-۰/۱۵۹	۰/۰۹۸	-۱/۶۲۲	۰/۰۸۷	۱/۷۴۹
$ACAGE_{i,t}$	-۰/۱۱۲	۰/۰۳۹	-۲/۸۷۲	۰/۰۰۴	۱/۷۳۷
$ACTEN_{i,t}$	-۰/۰۹۸	۰/۰۴۵	-۲/۱۷۸	۰/۰۳۰	۱/۴۵۷
$SG_{i,t}$	-۰/۰۵۱	۰/۰۲۲	-۲/۳۱۸	۰/۰۲۱	۱/۸۸۸
$SIZE_{i,t}$	۰/۱۳۱	۰/۰۲۹	۴/۵۲۴	۰/۰۰۰	۱/۶۶۳
$MTB_{i,t}$	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۶۶۷	۰/۵۰۶	۱/۴۸۰
$LEV_{i,t}$	۰/۰۴۲	۰/۰۱۸	۲/۳۳۹	۰/۰۱۹	۱/۶۸۰
$ROA_{i,t}$	-۰/۰۷۸	۰/۰۲۲	-۳/۵۴۵	۰/۰۰۱	۱/۵۰۰
$AGE_{i,t}$	۰/۰۱۷	۰/۰۰۹	۱/۸۸۹	۰/۰۶۰	۱/۵۶۰
$INSOW_{i,t}$	۰/۰۲۵	۰/۰۱۶	۱/۵۶۳	۰/۱۲۰	۱/۵۳۷
$BS_{i,t}$	۰/۰۶۲	۰/۰۲۸	۲/۲۱۴	۰/۰۲۷	۱/۶۵۰
$BI_{i,t}$	۰/۰۴۳	۰/۰۲۳	۱/۸۷۰	۰/۰۶۴	۱/۴۹۰
$R^2$ تعدیل شده	۰/۴۱۰				
دوربین واتسون	۱/۹۳۶				
F آماره	۹/۳۹۴				
احتمال آماره F	۰/۰۰۰				
سطح معنی‌داری F لیمر	۰/۰۰۰				
سطح معنی‌داری هاسمن	۰/۰۰۰				
ناهمسانی - معنی‌داری	۰/۱۳۶				
چارک برا- معنی‌داری	۰/۲۶۴				

را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه تجربه حرفه‌ای مدیران باعث بهبود بحث و تبادل نظر در هیئت مدیره و همچنین اثربخشی بیشتر در کاهش مدیریت سود می‌شود، مجموعه تجربه خاص زنان سطح مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی را کاهش می‌دهد. در راستای انتظارات ما، مدیران زن کمیته حسابرسی با سطح بالاتر از تجربه حرفه‌ای در کمیته حسابرسی با سطح پایین‌تری از مدیریت سود مرتبط هستند که از طریق تصمیمات واقعی و انتخاب‌های حسابداری اندازه‌گیری می‌شود. این نتایج تأیید می‌کنند که مجموعه تجربه خاص زنان، اثربخشی کمیته

از دیدگاه نظری، این یافته با نظریه منابع و همچنین نظریه نمایندگی هم‌راستا است. طبق این نظریه‌ها، اعضای باتجربه کمیته حسابرسی به‌واسطه درک عمیق‌تر از فرآیندهای مالی و حسابداری، توان تحلیلی بالاتری در کشف رویه‌های غیرعادی دارند و می‌توانند فشارهای بیشتری بر مدیریت برای رعایت استانداردهای شفافیت و صداقت مالی وارد کنند. از یک سو، تجربه حرفه‌ای نه تنها درک مدیران از محیط و فعالیت‌های شرکت را ارتقاء می‌دهد، بلکه فرآیند تصمیم‌گیری را نیز بهبود می‌بخشد، بنابراین سطح بالاتر تجربه، سطح مدیریت واقعی سود

شناسایی تر است، از مدیریت واقعی سود استفاده کنند که کمتر قابل شناسایی است. علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از آن بود که تخصص زنان در کمیته حسابرسی تأثیر منفی بر میزان مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی دارد، به این معنا که مدیران زن با تخصص مالی بالا، قادر به کاهش اعمال دستکاری‌های حسابداری هستند. همچنین، تجربه مالی بالاتر اعضای زن کمیته به نظر می‌رسد که مانع از انجام دستکاری‌های سود از طریق هر دو روش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که تجربه مدیران زن می‌تواند مانعی برای دستکاری‌های سود باشد.

این مطالعه به ادبیات موجود کمک می‌کند و برای نخستین بار رابطه میان انتصاب زنان در هیئت‌مدیره و تعادل بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود را در محیط ایران بررسی کرده است. همچنین این مطالعه برای اولین بار مسیریابی را که از طریق آن‌ها مدیران زن بر ترجیحات مدیران در خصوص روش‌های مدیریت سود تأثیر می‌گذارند، مورد تحلیل قرار داده است. نتایج این مطالعه می‌تواند مسئولین سیاست‌گذاری را تشویق به تقویت قوانین و مقررات تنوع جنسیتی در سازمان‌ها و شرکت‌ها نماید، چرا که رابطه قابل توجهی بین مدیریت سود و تنوع جنسیتی وجود دارد. علاوه بر این، این تحقیق می‌تواند برای کسانی که مسئول کیفیت اطلاعات حسابداری هستند، از جمله کمیته‌های حسابرسی، هیئت‌مدیره‌ها و حسابرسان خارجی، مفید باشد و نشان دهد که در شرکت‌هایی که نمایندگی زنان بیشتر است، احتمال استفاده از مدیریت واقعی سود به عنوان یک روش جایگزین برای مدیریت سود افزایش می‌یابد.

پژوهش‌های آینده می‌توانند این موضوع را با استفاده از انواع مختلف شرکت‌ها در ایران و دیگر کشورها گسترش دهند، به ویژه در کشورهایی که قوانین تنوع جنسیتی را پذیرفته‌اند و کشورهایی که این قوانین را نپذیرفته‌اند، تا مقایسه‌ای معقول در مورد اثربخشی نقش مدیران زن در مدیریت سود انجام دهند.

#### منابع

بذرافشان، آمنه. جعفرزاده، نفیسه. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بکارگیری حسابرسان پرمشغله و مدیریت سود با تاکید بر نقش کمیته حسابرسی، *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، مقالات آماده انتشار (۱۶ مهر ۱۴۰۲).

تجویدی، الناز، قائم پناه، محسن. (۱۴۰۰). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۳ (۴۹): ۱۷۴-۱۵۵.

حسابرسی را بهبود می‌بخشد و توانایی مدیران را در شناسایی و کاهش مدیریت مبتنی بر ارقام تعهدی افزایش می‌دهد که پیش‌بینی‌های ما را تأیید می‌کند. بنابراین فرضیه پنجم تأیید می‌شود. برای مدیریت واقعی سود، سطح بالاتر تجربه به مدیران کمک می‌کند تا بین تصمیمات مربوط به شیوه‌های مدیریت واقعی سود و تصمیمات عادی تمایز قائل شوند که به نوبه خود سطح مدیریت واقعی سود در شرکت را کاهش می‌دهد. این امر فرضیه ششم را رد می‌کند.

آماره دوربین واتسون مدل‌های پژوهش بین ۱/۵ و ۲/۵ بوده و می‌توان تأیید نمود که خطاها یا تفاوت مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده به وسیله مدل‌های رگرسیون، از یکدیگر مستقل هستند. مقدار سطح معنی‌داری F برابر با ۰/۰۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ درصد می‌باشد که حاکی از معنی‌داری کل مدل است. مقدار آماره هم خطی بین ۱ تا ۱۰ می‌باشد بنابراین می‌توان بیان کرد که بین متغیرهای پژوهش هیچ نوع هم خطی وجود ندارد. سطح معنی‌داری آماره F لیمر و هاسمن نشان می‌دهد که برازش مدل‌های پژوهش بصورت داده‌های پانلی به کمک مدل اثرهای ثابت انجام گرفته است. آماره بروش-پاگان گادفری نیز نشان می‌دهد که ناهمسانی واریانس بین فرضیه‌های پژوهش وجود ندارد.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این مطالعه بررسی تجربی رابطه حضور زنان در کمیته حسابرسی و تأثیر آن بر تعادل بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های ایرانی، با توجه به ویژگی‌های اعضای کمیته حسابرسی آنان بود. یافته‌های اصلی نشان می‌دهد که شرکت‌های نمونه در این تحقیق از هر دو روش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود به عنوان جایگزین استفاده می‌کنند. مهم‌تر از آن، آمار توصیفی نشان می‌دهد که پس از تغییرات قوانین در ایران که در راستای ارتقای تنوع جنسیتی اتخاذ شده‌اند، استفاده از مدیریت واقعی سود که شناسایی آن دشوارتر است، افزایش یافته است، در حالی که استفاده از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی کاهش یافته است. این امر نشان می‌دهد که حضور زنان در کمیته حسابرسی بر رفتارهای مدیریت سود تأثیرگذار است. تحلیل‌های چندمتغیره نشان داد که حضور زنان در کمیته حسابرسی رابطه‌ای منفی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و رابطه‌ای مثبت با مدیریت واقعی سود دارد. این نتایج با مطالعات قبلی هم‌راستا است که نشان می‌دهند زنان بیشتر به مسائل اخلاقی توجه دارند و این موضوع باعث می‌شود که مدیران به جای استفاده از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی که قابل

- independence, and activity on aggressive earnings management. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 23(2), 13–35.
- Ben-Amar, W., Francoeur, C., Hafsi, T., & Labelle, R. (2013). What makes better boards? A closer look at diversity and ownership. *British Journal of Management*, 24(1), 85–101.
- Bertrand, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *The Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 1169–1208.
- Bustos-Contell, E., Porcuna-Enguix, L., Serrano-Madrid, J., & Labatut-Serer, G. (2022). Female audit team leaders and audit effort. *Journal of Business Research*, 140, 324–331.
- Choi, J. H., Jeon, K. A., & Park, J. I. (2004). The role of audit committees in decreasing earnings management: Korean evidence. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 1(1), 37–60.
- Cohen, J. R., Hoitash, U., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. M. (2014). The effect of audit committee industry expertise on monitoring the financial reporting process. *The Accounting Review*, 89(1), 243–273.
- Connelly, B. L., & Van Slyke, E. J. (2012). The power and peril of board interlocks. *Business Horizons*, 55(5), 403–408.
- Damak, S. T. (2018). Gender-diverse board and earnings management: Evidence from French listed companies. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*.
- Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193–225.
- El Diri, M., Lambrinouidakis, C., & Alhadab, M. (2020). Corporate governance and earnings management in concentrated markets. *Journal of Business Research*, 108, 291–306.
- Fakhari, H., Mohammadi, J., & Hasannataj Kordi, M. (2015). An investigation of the audit committee characteristics effects on real earnings management. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 12(46), 130–154. [in Persian]
- Feizabadi, F. (2020). The moderating role of women in the audit committee and effectiveness of expertise committee members to earnings management. *Professional Auditing Research*, 2(7), 8–33. [in Persian]
- García-Sánchez, I. M., García-Meca, E., & Cuadrado-Ballesteros, B. (2017). Do financial experts on audit committees matter for bank insolvency risk-taking? The monitoring role of bank regulation and ethical policy. *Journal of Business Research*, 76, 266–273.
- Gavious, I., Segev, E., & Yosef, R. (2012). Female directors and earnings management in high-technology firms. *Pacific Accounting Review*, 24(1).
- Gul, F. A., Fung, S. Y. K., & Jaggi, B. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47(3), 265–287.
- فخاری، حسن، محمدی، جواد. حسن نتاج کردی، محسن. (۱۳۹۴). بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۶): ۱۵۴–۱۳۰.
- فیض آبادی، فرشته. (۱۴۰۱). نقش تعدیل کننده زنان کمیته حسابرسی در بررسی تاثیر تخصص اعضای کمیته بر مدیریت سود، *پژوهش های حسابرسی حرفه ای*، ۲ (۷): ۳۳–۸.
- مشایخ، شهناز. گنجی، حمیدرضا. پیری، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی رابطه تخصص موسسه حسابرسی در صنعت، کمیته حسابرسی و مالکیت مدیریتی با حق الزحمه حسابرسی، *پژوهش های حسابرسی حرفه ای*، ۳ (۹): ۱۱۹–۹۲.
- Abdelfattah, T., Elmahgoub, M., & Elamer, A. A. (2021). Female audit partners and extended audit reporting: UK evidence. *Journal of Business Ethics*, 174(1), 177–197.
- Al Lawati, H., Hussainey, K., & Sagitova, R. (2021). Disclosure quality vis-a-vis disclosure quantity: Does audit committee matter in Omani financial institutions? *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 57(2), 557–594.
- Alhababsah, S., & Yekini, S. (2021). Audit committee and audit quality: An empirical analysis considering industry expertise, legal expertise, and gender diversity. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 42, 100377.
- Alkebeese, R. H., Tian, G., Garefalakis, A., Koutoupis, A., & Kyriakogkonas, P. (2022). Audit committee independence and financial expertise and earnings management: Evidence from China. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 16(2), 176–194.
- Alves, S. (2023). Gender diversity on corporate boards and earnings management: Evidence for European Union listed firms. *Cogent Business & Management*, 10(1), 32–56.
- Anh, L. H. T., & Khuong, N. V. (2022). Gender diversity and earnings management behaviours in an emerging market: A comparison between regression analysis and FSQCA. *Cogent Business & Management*, 9(1), 176–198.
- Arun, T. G., Almahrog, Y. E., & Aribi, Z. A. (2015). Female directors and earnings management: Evidence from UK companies. *International Review of Financial Analysis*, 39, 137–146.
- Attia, E. F., Yassen, S., Chafai, A., & others. (2024). The impact of board gender diversity on the accrual/real earnings management practice: Evidence from an emerging market. *Future Business Journal*, 10, 24.
- Bazrafshan, A., & Jafarzadeh, N. (2024). Examining relationship between the use of busy auditors and earnings management, emphasizing the role of the audit committee. [in Persian].
- Bedard, J., Chtourou, S. M., & Courteau, L. (2004). The effect of audit committee expertise,

- Shu, P. G., Yeh, Y. H., Chiu, S. B., & Yang, Y. W. (2015). Board external connectedness and earnings management. *Asia Pacific Management Review*, 20(4), 265–274.
- Tajvidi, E., & Ghaempanah, M. (2021). Audit committee characteristics and earnings management. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 13(49), 155–174. [in Persian]
- Tang, C. H., Lee, Y. H., Lee, M. C., & Huang, Y. L. (2020). CEO characteristics enhancing the impact of CEO overconfidence on firm value after mergers and acquisitions—A case study in China. *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*, 23(1), 2050003.
- Ye, D., Deng, J., Liu, Y., Szweczyk, S. H., & Chen, X. (2019). Does board gender diversity increase dividend payouts? Analysis of global evidence. *Journal of Corporate Finance*, 58, 101101.
- Zalata, A. M., Ntim, C. G., Alsohagy, M. H., & Malagila, J. (2022). Gender diversity and earnings management: The case of female directors with financial background. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 58, 101–136.
- Gull, A. A., Nekhili, M., Nagati, H., & Chtioui, T. (2018). Beyond gender diversity: How specific attributes of female directors affect earnings management. *The British Accounting Review*, 50(3), 255–274.
- Hillman, A. J., Shropshire, C., & Cannella, A. A., Jr. (2007). Organizational predictors of women on corporate boards. *Academy of Management Journal*, 50(4), 941–952.
- Ingle, C., & Van Der Walt, N. (2005). Do board processes influence director and board performance? Statutory and performance implications. *Corporate Governance: An International Review*, 13(5), 632–653.
- Kao, E. H., Huang, H. C., Fung, H. G., & Liu, X. (2020). Co-opted directors, gender diversity, and crash risk: Evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 55(2), 461–500.
- Krishnan, J., Wen, Y., & Zhao, W. (2011). Legal expertise on corporate audit committees and financial reporting quality. *The Accounting Review*, 86(6), 2099–2130.
- Lai, K. M., Srinidhi, B., Gul, F. A., & Tsui, J. S. (2017). Board gender diversity, auditor fees, and auditor choice. *Contemporary Accounting Research*, 34(3), 1681–1714.
- Li, J., Mangena, M., & Pike, R. (2012). The effect of audit committee characteristics on intellectual capital disclosure. *The British Accounting Review*, 44(2), 98–110.
- Li, N., & Wahid, A. S. (2018). Director tenure diversity and board monitoring effectiveness. *Contemporary Accounting Research*, 35(3), 1363–1394.
- Li, X., Than, E. T., Ahmed, R., Ishaque, M., & Huynh, T. L. D. (2021). Gender diversity of boards and executives on real earnings management in the bull or bear period: Empirical evidence from China. *International Journal of Finance and Economics*.
- Mashayekh, Sh., Ganji, H., & Piri, F. (2023). Investigating the relationship between the expertise of the auditing firm in the industry, the audit committee, and managerial ownership with the audit fee. *Professional Auditing Research*, 3(9), 92–119. [in Persian]
- Payne, G. T., Benson, G. S., & Finegold, D. L. (2009). Corporate board attributes, team effectiveness and financial performance. *Journal of Management Studies*, 46(4), 704–731.
- Reichelt, K. J., & Wang, D. (2010). National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality. *Journal of Accounting Research*, 48(3), 647–686.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335–370.
- Schwartz-Ziv, M. (2017). Gender and board activeness: The role of a critical mass. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(2), 751–780.
- Sellami, Y. M., & Cherif, I. (2020). Female audit committee directorship and audit fees. *Managerial Auditing Journal*, 35(3), 398–428.



*Accounting Knowledge & Management Auditing*  
Vol. 16/ No. 64/ Winter 2027

## **The relationship between the presence of women on the audit committee and the characteristics of female audit committee members with earnings management**

**Akbar Kanani**

Assistant Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran. (Corresponding Author)  
Akbar.kanani@iau.ir

**Fatemeh Manafi**

PhD. Student, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran  
fatemeh.manafi@iau.ir

**Saleh Behrouz Gajin**

PhD. Student, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran  
saleh.behrouzgajin@iau.ir

**Somayeh Mollazadeh Tasmalu**

PhD. Student, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran  
somayeh.mollazadehtasmalu@iau.ir

### **Abstract**

This study investigates the impact of female representation, as well as the experience and expertise of women on audit committees, on the trade-off between accrual-based earnings management and real earnings management. To this end, a sample of 110 companies listed on the Tehran Stock Exchange was selected over the period 2017–2023. Multiple regression analysis using panel data was employed to test the hypotheses, utilizing EViews software. The regression results reveal that companies with a higher proportion of women on their audit committees are more inclined to engage in real earnings management rather than accrual-based earnings management. Moreover, the financial expertise of women on audit committees has a negative effect on accrual-based earnings management. The findings also indicate that the experience of female members—measured by age and tenure—helps reduce both types of earnings management. Drawing on data from Iran's emerging market, this study offers novel evidence on how the targeted and competence-based inclusion of women on audit committees can alter earnings management behavior. These findings open new avenues for understanding the role of gender in financial reporting quality and effective oversight of managerial practices. They also carry important implications for regulators, policymakers, and investors regarding gender diversity and the professional composition of corporate oversight committees.

**Keywords:** Accrual-based earnings management, real earnings management, expertise, experience, audit committee